



چند لم کار برادران مأوایی برای درست کردن آبمیوه:

- ❖ شیرموز را بعد از درست کردن باید سریع در فریزر گذاشت تا سرد شود؛ بهویژه تابستان.
- ❖ آب‌هویج را باید تازه تازه گرفت و نباید گذاشت بماند.
- ❖ رعایت نظافت را هم باید جزو لم کار آن‌ها دانست. پارچ‌ها در این مغازه سه‌بار شسته می‌شود. ظهر، سر شب و آخر شب.
- ❖ جمال مأوایی می‌گوید که مردم این محدوده خیلی دوست دارند آبمیوه‌شان شیرین باشد. بهویژه معجون. در حالی که مردم مناطق بالا شهر، دنبال آبمیوه کم‌شیرین هستند. البته آن‌ها قصد دارند، به‌زودی به جای شکر، از عسل در آبمیوه‌هایشان استفاده کنند تا شیرینی آن طبیعی باشد.



❖ در طبقه بالای مغازه آبمیوه‌فروشی «خدا را فراموش مکن» خانه‌ای بسیار قدیمی قرار گرفته‌است. خانه‌ای با پنجره‌های چوبی. نکته جالب توجه درباره این خانه را آقای مأوایی به ما می‌گوید. روی سردر این خانه قدیمی هم نوشته شده است: «خدا را فراموش مکن». در حالی که پدر مأوایی‌ها هیچ‌گاه از وجود این خانه و نام سردرش خبر نداشته‌است.



نصیحت پدر، ۳۸ سال بر سر در مغازه پسران در خیابان توحید خودنمایی می‌کند

خدا را فراموش مکن

نصیحت پدر در ۳۸ سال پیش کافی بود تا نام مغازه آبمیوه‌فروشی را «خدا را فراموش مکن» بگذارند. علاوه بر این، پسران محمد مأوایی تا همین امروز خواستشان به نام مغازه‌شان باشد و سعی کنند آبمیوه خوب به دست مردم بدهند. البته برای آن‌ها مهم‌تر از کیفیت آبمیوه، داشتن اخلاق خوب است. همان‌ارثی که از پدرشان رسیده‌است. گفتگوی ما با جمال مأوایی درباره نام مغازه که این روزها بر سر در مغازه‌های دیگر نیز فراوان خودنمایی می‌کند، پیش‌روی شماست.

❖ آبمیوه فروشان هم اینجا آبمیوه می‌خورند!

سه برادر با هم در آبمیوه‌فروشی و در سه‌شیفت کار می‌کنند تا ۵ صبح. به کارشان تعهد بالایی دارند و معتقدند که کار را نباید دست شاگرد سپرد و خودت باید بالای سر کار باشی. خوش‌رویی هم ویژگی دیگر برادرهاست که آن‌ها هم از پدر به ارث برده‌اند. شاید همین ویژگی باعث شده است که آبمیوه‌فروشان دیگر این حوالی هم گاهی به این مغازه سر بزنند و در حالی که آبمیوه‌ای سفارش می‌دهند، با هم به خوش و بش بپردازند. اما آقای مأوایی درباره ماجرای نام مغازه برای ما اینطور تعریف می‌کند:

در ابتدا دایی ما (به شریک برادرم دایی می‌گویم) این مغازه را می‌خرد و بعد هم پدرم به برادرم سفارش می‌کند که نام «خدا را فراموش مکن» را روی مغازه بگذارد تا اگر ناخواسته خطایی کردید، این نام جلوی چشممان بیاید و از انجامش منصرف شویم.

درباره نام دیگر مغازه می‌پرسیم: «افلاطون»؛ آبمیوه‌فروش جوان خیابان توحید می‌گوید: نام افلاطون را شهرستانی‌ها می‌شناسند و مشهدی‌ها هم به همان نام خدا را فراموش مکن.

❖ کسب شکمی را به شاگرد نسپارید

به گفته او از شهرستان هم فراوان مشتری دارند. دلیلش را می‌پرسم. می‌گوید: اگر هر کسی بخواهد در کارش موفق شود باید چند نکته را رعایت کند: یکی اخلاق و دیگری کیفیت. درباره کیفیت کارشان توضیح می‌دهد: سعی می‌کنیم میوه‌هایی که از میدان بار

می‌خریم، سالم و خوب باشد. حتی اگر به قیمت بالاتر خریداری کنیم، نکته مهم دیگر هم این است که نباید کار را به دست شاگرد بسپاری.

اصطلاح جالبی در این باره دارد. می‌گوید برای موفقیت در کار نباید به هیچ عنوان «کسب شکمی» را به شاگرد بسپاری. چون شاگرد لم کار را نمی‌داند و ممکن است حوصله به خرج ندهد. مثلاً برای درست کردن شیرموز، حوصله نمی‌کند که شکر به خوبی در شیر باز شود. یا اینکه شیرموز سرد به دست مردم نمی‌دهد.

❖ اخلاق خوش، راز ماندگاری

او ادامه می‌دهد: به ما خیلی پیشنهاد می‌دهند که از نام تابلویتان استفاده کنید و شعبه‌های دیگری بزنید. اما جواب ما همیشه این است که ما باید خودمان بالای سر کار باشیم و نمی‌توانیم به شاگرد اعتماد کنیم و کار را به او بسپاریم. از طرفی با مشغله‌های کاری همین مغازه، امکان حضورمان در شعبه‌های دیگر نیست. بنابراین این کار را انجام نمی‌دهیم.

درباره دلیل خوشنامی و معروف شدن کار بعضی از آبمیوه‌فروشی‌ها در مشهد می‌پرسم و پاسخ می‌شنویم: همان اخلاق خوب و دادن جنس با کیفیت به مردم. از طرفی هیچ چیز جای تجربه را نمی‌گیرد. خیلی‌ها سودای راه انداختن آبمیوه‌فروشی به سرشان می‌زنند. فکر می‌کنند همین که معجونی به دست مردم بدهی، کار تمام است؛ در حالی که کار ماتجربی است و سر دوروز کار کردن چیزی یاد نمی‌گیری.